

## درآمدی بر گرایش تفسیر عرفانی



سید محمد حسین میری<sup>۱</sup>

### چکیده

مفسران در گرایش تفسیر عرفانی معتقدند براساس مبانی سیر و سلوک عرفانی و الهامات الهی به تفسیر باطن قرآن می‌پردازند. مبانی این تفسیر، نگاه ویژه عارفان به انسان، جهان و قرآن است. روش تفسیر عرفانی بر بهره‌گیری از اشارات قرآنی، تأویل و بطن قرآن و تداعی معانی استوار است و ضابطه‌مندی تفسیر و تأویل عرفانی و جداسازی استفادات اخلاقی و ایمانی از تفسیر، توجه به ظاهر و باطن و الغای خصوصیت با استفاده از برهان سبر و تقسیم، این گونه تفاسیر را مستند و مستدل می‌سازد، همان گونه که تحمیل نظرات عرفانی و فلسفی بر قرآن، تأویل‌های بی‌ضابطه و استناد به کشف و شهود از آسیب‌های این گونه تفاسیر است.

**کلید واژگان:** قرآن، گرایش، تفسیر، عرفان، تأویل، بطن، تداعی معانی

۱- دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه معارف اسلامی و عضو هیات علمی دانشگاه رامین اهواز  
نشانی الکترونیکی: S-mohammad-miri@yahoo.com

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۶/۲۱

\* تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۲۲

## مقدمه

ویژگی خاص قرآن که مشتمل بر اشارات، کنایات و تمثیلات می‌باشد و همچنین تأکید روایات مبنی بر ذوبطون بودن قرآن و همچنین ذومراتب بودن ساحت‌های وجودی انسان و پیدایش نحله‌های عرفا و صوفیان، زمینه‌ساز شیوه‌ای در تفسیر شد که از آن به تفسیر عرفانی، شهودی، اشاری، باطنی و صوفی نام برده می‌شود، وجه اشتراک همه این تفاسیر، عبور از ظاهر قرآن و بیان مطالبی است که ادعا می‌شود از باطن قرآن به دست می‌آیند.

## الف: مفهوم‌شناسی

۱- تفسیر: در تعریف اصطلاحی تفسیر گفته‌اند: تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره بااستمداد از منابع و قرائن معتبر. (بابایی، ۲۳)

۲- تأویل، بطن: ظاهر قرآن عبارت است از معنایی که از تنزیل (آنچه نازل شده) استفاده می‌شود و براساس قواعد عرفی محاوره و تفهیم و تفهیم به دست می‌آید. واژه تأویل در اصل به معنای رجوع است و دارای معانی متعدد در قرآن است، مثل توجیه متشابهات (آل عمران، ۱۰)، تعبیر رویا (یوسف، ۶۰، ۲۱، ۳۶)، عاقبت امر (اسراء، ۳۵) و نیز به معنای بطن می‌آید (معرفت، تفسیر و مفسران، ۲۴/۱ و ۲۵ و ۲۶).

اما واژه بطن به معنای درون است که معنای متعددی برای آن گفته شده است و در اینجا مقصود ما به معنای مفهوم عام برگرفته از فحوای آیه‌ای است که در مورد خاصی نازل شده است، یعنی اگر آیه‌ای برای شرایط خاص زمانی و مکانی یا فردی خاص نازل شده است از خصوصیات منسلخ شود و طوری تأویل و بطن‌یابی گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود که از مهم‌ترین آن رعایت مناسبت بین ظاهر و باطن کلام و مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیت و تنقیح مناط است. (رضایی اصفهانی، ۳۳۰)

۳- گرایش: تأثیرات علائق و تخصص مفسر در تفسیر قرآن است. (همان، ۲۳)

۴- عرفان: معرفت و عرفان، درک و شناخت شیء است با تفکر و تدبیر در اثر آن (راغب اصفهانی، ۵۶۰)

عرفان، در اصطلاح، یعنی شناخت؛ شناختی که بر اثر سیر و سلوک و مجاهدت با نفس از دریافتهای باطنی به دست می‌آید.

تصوف و عرفان از یک سرچشمه نشأت گرفته‌اند و هر دو حاصل یک واقعیتند. عنوان تصوف بیشتر به جنبه عملی و سلوک این مکتب و عنوان عرفان بیشتر به جنبه نظری و

اندیشه و دریافت آن ناظر است، لذا عرفان، شعبه‌ای از فلسفه است که حکمت نظری و عملی را به هم آمیخته و راه شناخت و سلوک را از یافته‌ای باطنی به دست آورده است. (معرفت، ۲/۳۳۳، ۳۳۴) و عارف کسی است که خداوند به شهود ذات، صفات اسماء و افعال خود مفتخرش کرده باشد. پس معرفت، حالی است که از شهود پدید می‌آید. (قاسم پور، ۱۴۴ و ۱۴۵)

**۵- روش تفسیر اشاری:** این روش تفسیری را گاهی رمزی، اشاری، صوفی، باطنی و شهودی گویند. مقصود از روش تفسیر اشاری، بیان اشارات مخفی قرآن با عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن و برداشت از اشارات آیه است که لوازم کلام هستند و از نوع دلالت التزامی به شمار می‌آیند. (رضایی اصفهانی، ۳۰۵)

**۶- گرایش تفسیر عرفانی:** تفسیری که در آن مفسران براساس مبانی سیر و سلوک عرفانی و ذوقی به بیان و تفسیر باطن قرآن و اشارات آن می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که فهم قرآن، الهامات الهی است. ابن عربی می‌گوید: همانطور که تنزیل قرآن بر پیامبر (ﷺ) از پیش خداوند بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیه حضرت حق صورت می‌گیرد. (مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ۲۵۹)

**۷- تاریخچه:** اشتغال قرآن بر بطون عمیق و معانی دقیق و وجود امثال، کنایات و اشارات در قرآن که حاوی حقایق دقیق و نکات عمیقی است، زمینه ساز سوء استفاده صوفیه و باطنیه شد تا در تحکیم و تأیید مبانی مذهبی خود، دین را از قید و بند ظواهر شرع و جهات خشک و تقییدات مذهبی آزاد بدانند و شیوه دانشمندان و مفسران اسلامی در توجیه و توضیح آیات مزبور را نپسندیده و با الغاء ظواهر و تقییدات لفظی، تعلیمات عرفانی ذوقی و اسرار و مبانی مذهبی خویش را به عنوان تفسیر بطنی قرآن قلمداد نمایند و با کنار گذاشتن مناسبات لفظ و معنا و قیود الفاظ آیات و دلالت‌ها و قرائن لفظی به یک نوع تفسیر به رأی منجر شود. این حصار شکنی‌ها تا حدی بود که باطنیه از طرف امامان وقت به شرک توصیف شدند. هر چند صوفیه تا حدودی ظواهر را نادیده نگرفته، ولی نقطه اشتراک آنان با باطنیه در این است که مفسران هر دو مذهب در استخراج مقاصد و معانی مورد نظر خود از آیات، تقییدات و مناسبات لفظی و قواعد و سایر شرایط و مقدمات لازم برای تفسیر را نادیده می‌گیرند.

(عمید زنجانی، ۳۲۲ تا ۳۱۵ با تلخیص)

از گروه موفق می‌توان ابو محمد سهل بن عبدالله تستری، ابو عبدالرحمن سلمی، ابوالقاسم

قشیری و رشیدالدین میبیدی را نام برد. ولی تأویلات محیی الدین ابن عربی او را شخصی ناموفق نشان می‌دهد، زیرا راز موفقیت در تأویل، رعایت ضوابط تأویل است که در تأویلات او این ضوابط رعایت نشده است. (معرفت، ۳۶۹/۲)

### ب: مبانی تفسیر عرفانی

در مبانی تفسیر از پیش فرض‌های بنیادین و مسلم نزد مفسران سخن گفته شود که هر نوع موضع‌گیری در خصوص آن‌ها موجودیت تفسیر یا قواعد و روش تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بابایی، ۳) این باورها با اثرگذاری در فرآیند تفسیر سبب رویکردی خاص در تفسیر می‌شود همچنان که همین پیش فرض‌های بنیادین باعث تمایز روش‌های تفسیری گوناگون شده است.

مبانی و اصول تفسیر همواره سبب چگونگی رویکرد مفسران در تفسیر و شکل‌گیری روش‌ها و در مواردی، گرایش‌ها و قواعد تفسیری مفسران شده است. (مؤدب، مبانی تفسیر قرآن، ۲۵)

خاستگاه شکل‌گیری تفاسیر عرفانی از طریق آموزه‌های عارفان مفسر درباره قرآن، انسان و جهان و از راه توجه ویژه آنان به عناصر بنیادین مکتب عرفان و کشف و شهود نشأت می‌گیرد و به منزله مبانی تفسیر عرفانی قلمداد می‌گردند که به مهم‌ترین این مبانی اشاره می‌گردد.

### ۱- ویژگی‌های استعاری، کنایی و رمزی زبان قرآن

اسلوب قرآن از استعارات، کنایات و تشبیهات پر راز و رمز آکنده است، زیباترین تشبیهات در قرآن وجود دارد.

برخی از دل‌ها مانند سنگ است یا سخت‌تر از آن «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقَقُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ». (بقره، ۷۴)

تشبیه زوجین به لباس؛ «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ». (بقره، ۱۸۷)

تمثیل مؤمنان به بنیان مرصوص «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بِنْيَانٌ مَرْصُوصٌ». (صف، ۴)

با توجه به این ویژگی‌ها، عارفان بر این باورند که در قرآن نباید فقط ظاهر را دید، چرا که این طرز تلقی انسان را از توجه به هدف و غایت اصلی این آیات باز می‌دارد. روح و جوهر قرآن و یا حقیقت آن ورای نقش و حرف و ظاهر این الفاظ است. از نظر عارف مفسر، هرچه

تیر فکرت و همای اندیشه اوج بیشتری بگیرد، دامنه معانی بر انسان بیشتر رخ می‌نماید. (قاسم پور، ۱۵۰).

## ۲- ذوبطون بودن قرآن

از دیدگاه عارفان آنچه از ظاهر واژه‌ها و جملات قرآنی استفاده می‌شود، با تعمق بیشتر، یک معنای پنهانی در بردارد. آن معنای دوم، هم با تعمق بیشتر، باز معنای دیگری در بردارد. این دیدگاه برگرفته از روایات فراوانی است که قرآن را دارای ظاهر و باطن می‌دانند، به عنوان مثال:

امام باقر (ع): «یا جابر ان للقرآن بطناً وللبطن بطنٌ ولهُ ظَهْرٌ» (مجلسی، ۹۵/۸۹)  
امام صادق (ع): «کتاب الله عزَّوجلَّ علی اربعة اشياء علی العبارة والاشارة واللطائف والحقائق فالعبارة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للاولیاء والحقائق للانبیاء» (مجلسی، ۱۰۳/۶۹)

## ۳- تدبر پذیری قرآن

تأکید به تدبر و ژرف‌اندیشی در آیاتی از قرآن موجب ترغیب ایشان به شیوه تفسیر اشاره‌ای شده است.

به عنوان نمونه:

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». (محمد، ۲۴) آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است.

این آیه، دستاویز مهمی برای عارفان در تفسیر اشاری است که براساس آن نباید صرفاً به معنای ظاهری اکتفا کرد، بلکه باید تیر فکرت را برای صید معانی و بواطن الفاظ تا اوج یقین به پرواز درآورد. (قاسم پور، ۱۷۵ و ۱۷۶)

## ۴- راهیابی انسان کامل به بطون قرآن

از منظر عارفان، خدا و انسان محوری‌ترین موضوعات قرآن است و از سوی دیگر یکی از اصول جهان‌بینی در عرفان، نظریه انسان کامل است؛ انسانی که به صورت خدا خلق شده و عصاره کامل جهان و روح جهان هستی است. بین انسان کامل (جهان صغیر)، با جهان تدوین (قرآن) ارتباط وثیقی برقرار است. انسان، کتاب خداست، کتابی که همانند کتاب تدوین آفریده شده و تجلی خداوند است، همان گونه که خدا در کلامش تجلی یافته در وجود انسان کامل به عنوان کلام خدا و مخلوق خدا تجلی یافته است. (امام خمینی، تفسیر قرآن مجید ۱/۵۲۲ تا ۵۳۰ با تلخیص)

«انسان مظهر اسم جلال و جمال الهی است، پس قرآن یک کلمه دارد و آن حق تعالی و

مظاهر اوست. در جهان هستی، عالم نظام احسن، قرآن احسن الحدیث و انسان نیز احسن المخلوقین خواهد بود. این سه واحد یک حقیقت بیش نیستند، قرآن، صورت کتبی انسان و عالم است، عالم صورت تکوینی انسان و قرآن است و سرانجام انسان صورت نفسی عالم و قرآن است. (قاسم پور، ۱۶۱)

امام خمینی (ره) مجاهدت با هوای نفسانی و شیطان مکار و پاکی درون را زمینه‌ساز تجلی قرآن بر انسان می‌داند. ایشان می‌فرمایند: بدان همان طور که کتاب تدوینی الهی از جهت هفت بطن و از جهت دیگر هفتاد بطن دارد که جز خدا و پایداران در علم آن را نمی‌دانند و جز پاک‌شدگان از آلودگی‌های معنوی و اخلاق پست و زشت و آراستگان به فضیلت‌های علمی آن را در نمی‌یابند و هر کس پاکی و بی‌آلایشی او بیشتر باشد، تجلی قرآن برای او بیشتر و بهره‌ء او از حقایق قرآن فراوان‌تر است. همچنین کتاب‌های تکوینی الهی انفسی و آفاقی، مو به مو مثل آن است و دارای هفت یا هفتاد بطن می‌باشد که تأویل و تفسیر آن را جز پاک‌شدگان از پلیدی‌ها و آلودگی‌های عالم طبیعت نمی‌دانند و غیر از پاکان به آن دست پیدا نمی‌کنند، چون آن‌ها نیز از نزد پروردگارشان، رحیم نازل شده‌اند. پس ای مسکین! در راه پروردگارت مجاهده کن و دلت را پاک گردان و آن را از تسلط شیطان رها ساز و بالا برو و بخوان کتاب پروردگارت را و آن را با تأمل بخوان و در حدّ پوسته آن توقف مکن. (امام خمینی، شرح دعای سحر، ۵۹)

از طرف دیگر انسان در زندان و حجاب حب دنیا محبوس است که مانع فهم کتاب الهی است.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«اگر دارای قلبی روشن به انوار خدایی و روحی پرتو گرفته از شعاع‌های روحانی باشی، حقیقت کتاب الهی به شرط داشتن طهارت لازم در مس حقایق قرآن برای تو کشف می‌گردد». (امام خمینی، شرح دعای سحر، ۵۶)

## ۵- آیات آفاق، ترجمان آیات قرآن

از منظر عرفان بین قرآن (عالم تدوین) و عالم تکوین (جهان هستی) رابطه تطابقی است. هم جهان تکوین آفریده خداست و هم کتاب تدوین و هر دو برخوردار از نظامی واحدند. به همین دلیل می‌توان از شناخت جهان هستی به شناخت قرآن پی برد و ویژگی‌های کتاب تدوین را به جهان تکوین سرایت داد. در خلقت و عالم تکوین اسراری نهفته است که با کوشش و تهذیب نفس می‌توان به کنه و باطن آن رسید. در کتاب تدوین و قرآن نیز

چنین است.

از منظر عارف در جهان خلقت، یعنی کتاب تکوینی حق تعالی، اسراری نهفته است که با کوشش و تهذیب می‌توان از ظواهر آن (که عالم شهادت است) به کنه بطن آن (که عالم غیب است) راه یافت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ». (روم، ۷) از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آن که از آخرت غافلند.

حاصل این آیه آن است که آخرت در بطن دنیاست و شرط پی‌بردن به آن گذر از ظواهر دنیا است. عالم هستی که از آن به آفاق تعبیر می‌شود، کتاب تکوینی الهی و مصحف ربانی است. این کتاب همانند قرآن مشتمل بر آیات کلمات و حروف است. قرآن، صورت اجمالی و تفصیلی این کتاب بزرگ است در کریمه الهی آمده است:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳) به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در درون‌هایشان بدیشان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او خدای حق است.

«در این آیه، آیه به آفاق نسبت داده شده است، آیه هم از کلمات و حروف که لازمه کتاب است تشکیل شده است. این خود گواه صدقی است بر این که عالم، کتاب الهی و مصحف ربانی است. (سید حیدر آملی، ۲۰۶/۱)

عارفان می‌گویند هستی حقیقت واحدی است که در باطن وحدت کامل دارد و از هر گونه تفرقه و کثرتی منزله است و در ظاهر منشأ نمایش کثرت است، ولی این کثرت‌ها ظاهری و خیالی هستند، نه واقعی و حقیقی.

عرفا، در عین قبول داشتن علوم رسمی و ظاهری، بر اصالت ارتباط حضوری تأکید می‌کنند و معتقدند انسان از راه باطن خویش می‌تواند در سیر آفاقی و انفسی با حقیقت جهان هستی ارتباط حضوری و شهودی داشته باشد و این، وقتی میسر است که از تعلقات ظاهری رها شده باشد: «رو مجرد شو، مجرد را ببین!»

یک عارف چنین می‌پندارد او که در اثر سیر و سلوک و مجاهدت از مرز حدود و قیود گذشته، به حقیقت مطلق و نامحدود واصل شده، با آن متحد گشته است و سرانجام در آن فانی می‌شود.

عارف باید برای رسیدن به کمال خویش که همان مرحله توحید و فنا است، تن به سختی‌ها بسپارد و از خواب و خوراک و خواسته‌های جسمانی کم کند و بر اعمال و اشتغالات معنوی

و نفسانی بیفزاید. این گونه مبارزه در بیان نبوی «جهاد اکبر» نام گرفته است. در نگاه عارف، سراسر جهان آفرینش مظاهر و آئینه‌های تجلی ذات حق‌اند و اساس آفرینش، جمال و زیبایی و عشق به جمال و زیبایی است.

عرفان و تصوف در تمامی ادوار و در میان همه اقوام از دیرزمان با مسأله «باطن» و «تعالیم باطنی» و «اسرار و رموز» سر و کار داشته است. همین تعالیم باطنی و اسرار نهانی، آنان را به انتخاب مجامع اختصاصی و تشکیلات گروهی و ادار ساخت تا مبادا اسرار مکتب و طریقت در اختیار بیگانگی قرار گیرد که شایستگی دریافت آن را ندارند. (معرفت، تفسیر و مفسران، ۳۴۱/۲ تا ۳۵۸ با تلخیص).

### ج: گونه‌های تفسیر عرفانی

باتوجه به آنچه در مبانی تفسیر عرفانی گذشت، مفسران عارف از گونه‌هایی ویژه در تفسیر خود بهره می‌برند که این گونه‌ها، زمینه‌ای برای ارزیابی مثبت یا منفی صاحب‌نظران از این تفاسیر عرفانی شده است. عارفان معمولاً از گونه‌های ذیل در تفاسیر عرفانی خود بهره می‌گیرند.

### ۱ بهره‌گیری از اشارات قرآنی

تفسیر عرفانی براساس رمز و اشاره بنا نهاده شده است. آنان بیشتر تعبیر قرآن را رمز و اشاره به اسرار نهفته‌ای می‌دانند که خواص به آن راه دارند و دیگران (عوام) را بدان راهی نیست.

از امام صادق (ع) روایت شده است:

کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للأولیاء و الحقائق للانبیا (مجلسی، ۱۰۳/۸۹).

چون اهل عرفان خود را خواص می‌دانند، اشارات و رموز قرآن را بر وفق مصطلحات عرفانی خویش تفسیر می‌کنند در صورتی که روایت می‌گوید: قرآن چهارگونه سخن دارد، عبارات ظاهری که قابل فهم برای همه است، اشارات به برخی از مطالب و مسائل علمی و نظری که دانشمندان آن را درک می‌کنند. نکته‌ها و ظرافت‌ها که عارفان به اسرار حق به آن پی می‌برند و بالأخره حقیقت و اسرار نهفته که آشنایان با وحی و سروش غیبی بر آن واقف می‌شوند. (معرفت، معرفت قرآنی، ۶۲/۲ و ۶۱)

### ۲ بهره‌گیری از تأویل و بطون قرآن

تفسیر عرفانی از نوع تفسیر باطن است که بیشتر به تأویل می‌ماند تا تفسیر؛ زیرا اکثراً با



هیچ یک از دلالت‌های لفظی تناسب ندارد و با ذوق عرفانی و اشراق درونی سرو کار دارد و تأویل نزد این گروه، فاقد ضابطه مشخصی است. بر حسب اختلاف ذوق‌ها و سلیقه‌ها، تفاسیر این گروه باهم متفاوت است. برای تشخیص سره از ناسره باید ضوابط تأویل و بطن‌یابی درست آیات را انجام داد. آنگاه این تفاسیر را ارزیابی کرد. (معرفت، معرفت قرآنی، ۶۲/۲ و ۶۱ با تلخیص)

### ۳ استفاده از مناسبت معنایی یا تداعی معانی

تأویلات اهل عرفان که گاه به صورت تفسیر یا تأویل قرآن رخ می‌دهد، در واقع یافته‌هایی است که از آیات قرآن بالمناسبه برداشت می‌شود و جنبه استشهاد دارد نه استناد؛ و می‌توان آن را از قبیل «تداعی معانی» دانست که هنگام استماع یا تلاوت آیه به مناسبت، معناهایی به ذهن خطور می‌کند که الهام گرفته شده از روح شریعت است. این گونه یافته‌ها، آن هم به عنوان استشهاد نه استناد از نظر محققان تفسیر به رأی یا تأویل باطل شمرده نمی‌شود، به ویژه در صورت عدم التباس (به تفسیر) که کاملاً خالی از اشکال است. (معرفت، ۳۹۴/۲-۳۶۷ با تلخیص).

### د: معیارها و ضوابط تفسیر عرفانی

آن گونه که گفته شد، تفاسیر عرفانی از اشارات قرآن، بطون و تأویل و تداعی معانی در تفاسیر خود نهایت بهره را می‌برند، امری که موجب دیدگاه‌های متفاوت درباره آن‌ها شده است.

از طرف دیگر، مفسران تفاسیر ظاهری، قواعد و اصولی برای تفسیر ارائه داده‌اند که صحت و سقم نوشته‌های تفسیری در چارچوب آن قواعد و اصول قابل ارزیابی است، ولی مفسران تفاسیر عرفانی معیار و ضوابط خاصی تنظیم نکرده‌اند و مطالب خود را به شهود باطنی و اشارات قرآنی ارجاع می‌دهند که آن هم قابل ارزیابی نیست. مفسران متأخر معتقدند همان گونه که تفسیر ضابطه‌مند است، تأویل و باطن هم باید ضابطه‌مند باشد و آنجا که استفادات اخلاقی از طریق تداعی معانی و مشابهت معنایی صورت گرفته، باید به عدم تفسیر تصریح شود تا امر بر دیگران مشتبه نشود، لذا دو راهکار ذیل در شناسایی و پالایش تفاسیر عرفانی وجود دارد.

### ۱. ضابطه مند کردن تأویل و بطن‌یابی

البته مهم‌ترین طریق برای رسیدن به معارف درونی و بطنی آیات، استمداد از معصومان (علیهم السلام) است، زیرا آن‌ها از معارف ویژه‌ای برخوردارند و عالمان به تأویل و راسخان در علمند، اما

از روایات آن‌ها می‌توان ضوابط و مراحل بطن‌یابی را به دست آورد. (مودب، مبانی تفسیر قرآن، ۱۶۴)

برای توضیح ضوابط تفسیر باطنی صحیح لازم است به معنای واژه تأویل و بطن که در صدر مقاله گذشت توجه شود. سپس به مراحل و ضوابط آن اشاره شود.

### مراحل به دست آوردن بطن و تأویل آیات

مراحل صحیح پی‌بردن به بطون (پیام‌های نهفته) قرآن عبارت است از:

۱. جویا شدن هدف آیه

۲. سنجش آن هدف با خصوصیات ذکر شده در متن آیه

۳. آنچه در تحقق یافتن هدف دخالت دارد، باقی‌گذارده شود و آنچه دخالت ندارد، نادیده گرفته شود.

۴. مفهومی عام از متن آیه برداشت شود که مستقیماً در راستای هدف آیه قرار داشته باشد و از خصوصیات ذکر شده، پیرامون آیه فراتر بوده و بر موارد مشابه مورد نزول آیه در هر زمان و مکان قابل تطبیق باشد.

۵. معیار صحت این برداشت در آن است که: مفهوم عام مستخرج از بطن آیه به گونه‌ای باشد که مورد نزول آیه یکی از مصادیق شاخص آن مفهوم عام گردد و اگر چنین نشد و با ظاهر تنزیل تناسب قریب نداشت، چنین استخراجی نادرست و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود. (رضایی اصفهانی، ۳۳۳)

از مجموع سخنان کسانی که تفسیر اشاری و عرفانی را پذیرفته‌اند، رعایت ضوابط و شرایط زیر را در تفسیر لازم می‌دانند:

۱. توجه به ظاهر و باطن قرآن هر دو، یعنی توجه به بطن و اشارات قرآن، مفسر را از توجه به ظاهر آیات و تفسیر ظاهری آن غافل نکند و مفسر نگوید قرآن غیر از تفسیر اشاری و باطنی تفسیر دیگری ندارد.

۲. رعایت مناسبت نزدیک بین ظاهر کلام و باطن آن یعنی بین دلالت ظاهری و دلالت باطنی کلام مناسبت لفظی یا معنوی باشد، به گونه‌ای که بتوان بطن را از ظاهر کلام انتزاع کرد.

۳. مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیتی که در کلام هست تا بتوان اصل و مغز کلام را به صورت مفهوم عامی به دست آورد.

۴. تفسیر اشاری باطنی با آیات محکم قرآن و دلایل قطعی عقل منافات نداشته باشد.

۵. مفهوم عام و قاعده کلی که از آیه استخراج می‌شود، طوری باشد که مورد آیه یکی از مصادیق آن باشد.

۶. عدم وجود تعارض شرعی یا عقلی در یک تفسیر عرفانی

۷. عدم ادعای نهایی بودن تفسیر توسط مفسر عارف (رضایی اصفهانی، ۳۳۴ و ۳۳۵ و قاسم پور، ۳۷۱ و ۳۷۲)

مثال:

قال الله تعالى «مَنْ أَجَلْ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمْسِرُونَ». (مائده، ۳۲)

فی الکافی عن الباقر قال علیه السلام: من حرق او غرق، قيل فمن اخرجها من ضلال الی هدی قال تأویلها الاعظم.

ظاهر آیه در مورد کشتن و زنده کردن یک نفر انسان است که همچون کشتن و زنده کردن تمام مردم شمرده شده است، اما تأویل (بطن) آیه مهم‌تر و بزرگ‌تر است، چون از کشتن و زنده کردن جسم الغای خصوصیت می‌شود و قاعده‌ای کلی به دست می‌دهد که هر گونه زنده کردن انسان‌ها را شامل می‌شود، یعنی نجات یک فرد از گمراهی و هدایت او به منزله زنده کردن همه انسان‌ها است. (رضایی اصفهانی، ۳۳۰)

از این روست که در حدیثی امام رضا (ع) از پدرش حکایت می‌کند که مردی از امام صادق (ع) پرسید چگونه است: که هر چه قرآن درس داده می‌شود و منتشر می‌شود، باز هم بر شیرینی آن افزون می‌شود؟

فقال «لأن الله تبارک وتعالی لم يجعله لزمان دون زمان ولا لناس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غض الی یوم القیامة»

تازگی و شیرینی قرآن به خاطر آن است که خدا آن را برای یک زمان خاص و مردم خاصی قرار نداده است بلکه قرآن تا روز رستاخیز در هر زمان جدید و نزد هر ملتی تازه است.

آری! از این روست که در برخی احادیث اشاره شده که قرآن همچون ماه و خورشید در جریان است و اگر قرآن مخصوص یک قوم بود، بعد از گذشت زمان آنان، آیات آن می‌مرد. همین مطلب یکی از رموز جاودانگی قرآن است که قابل انطباق با زندگی هر شخص و هر ملتی در هر زمان است که براساس ضوابط معتبر با استخراج بطون پاسخ نیازهای معنوی فکری و اخلاقی بشر به دست می‌آید. (همان، ۳۳۳ و ۳۳۲)

## ۲- جداسازی استفادات اخلاقی و تداعی معانی از تفسیر

امام خمینی (ره) عدم استفاده اخلاقی، ایمانی و عرفانی را یکی از موانع و حجاب‌های فهم قرآن دانسته در این زمینه می‌فرماید: «یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله قرآن شریف را از چنین فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد مثلاً اگر کسی از کیفیت مذاکرات حضرت موسی با خضر و کیفیت معاشرت آن‌ها و شرح حال حضرت موسی با آن عظمت مقام نبوت، برای به دست آوردن علمی که پیش او نبوده است و کیفیت جواب خضر و عذرخواهی‌های حضرت موسی، بزرگی مقام متعلم و آداب سلوک معلم با معلم را که شاید بیست ادب در آن هست، استفاده کند، این چه ربط به تفسیر دارد تا تفسیر به رأی باشد و بسیاری از استفادات قرآن از این قبیل است». (امام خمینی، آداب الصلوه (آداب نماز)، ۱۹۹)

در جایی دیگر می‌فرمایند:

«یکی از آداب مهم قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفادات بی‌شمار نائل می‌کند «تطبیق» است و آن چنان است که در هر یک از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد مثلاً در قصه شریفه حضرت آدم (علیه السلام) ببیند سبب مطرود شدن شیطان در بارگاه قدس با آن همه سجده‌ها و عبادت‌های طولانی چه بود؟ خود را از آن تطهیر کند؛ زیرا مقام قرب الهی جای پاکان است، با اوصاف و اخلاق شیطانی قدم در آن بارگاه قدس نتوان گذاشت از آیات شریفه استفاده می‌شود که مبدأ سجده نمودن ابلیس، خودبینی و عجب بوده که کوس «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (ص، ۷۶) زد و این اسباب خود رأیی شد پس مطرود درگاه شد. ما از اول عمر، شیطان را مطرود و ملعون خواندیم و خود به اوصاف خبیث او متصف هستیم و در فکر آن بر نیامدیم که آنچه سبب مطرودیت درگاه قدس است، در هر کسی باشد، مطرود است، شیطان، خصوصیتی ندارد، آنچه او را از درگاه قرب دور کرد، ما را نگذارد که به آن درگاه راه یابیم. می‌ترسیم لعن‌هایی که به ابلیس می‌کنیم، خود نیز در آن شریک باشیم، بالجمله کسی که بخواهد از قرآن شریف حظ وافر و بهره

کافي بردارد، بايد هريك از آيات شريفه را با حالات خود تطبيق کند تا استفاده کامله کند. پس وظيفه سالک الی الله آن است که خود را به قرآن شريف عرضه کند و چنانچه خلق رسول الله قرآن است، خلق خود را با قرآن بايد متوافق کند تا با خلق ولی کامل نیز مطابق کرد و خلقي که مخالف کتاب الله است، زخرف و باطل است و همچنين جميع معارف و احوال قلوب و اعمال باطن و ظاهر خود را بايد با کتاب خدا تطبيق کند و عرضه دارد تا به حقيقت قرآن متحقق گردد و قرآن صورت باطني او گردد. (امام خميني، آداب الصلوه (آداب نماز)، ۲۰۶ تا ۲۰۹ با تلخيص)

مرحوم آيت الله معرفت (ره) همچنين تأويلات اهل عرفان را يافته‌هايی می‌داند که از آيات قرآن بالمناسبه برداشت می‌شود و جنبه استشهاد دارد نه استناد و می‌توان آن را از قبيل تداعي معانی تلقی کرد که هنگام استماع يا تلاوت آيه به مناسبت معناهايی به ذهن خطور می‌کند که سازنده، بالنده و الهام گرفته شده از روح شريعت است. اين گونه يافته‌ها، آن هم به عنوان استشهاد و نه استناد از نظر محققان، تفسير به رأی يا تأويل باطل شمرده نمی‌شود به ويژه در صورت عدم التباس (مشتبه نشدن به تفسير) که کاملاً خالی از اشکال است. (معرفت، ۳۹۴/۲-۳۶۷ با تلخيص)

بیشتر تفاسير اعظم اهل عرفان مانند قشيري و ميبدي و از جمله سيد حيدر آملی بر همين رويه است. يافته‌هايی از قرآن برگرفته‌اند که از قبيل تداعي معانی می‌باشد نه تفسير کلام الله يا تأويل باطني.

**نمونه‌ها:**

در آيه: «اذهباً اِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى / فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى». (طه، ۴۳ و ۴۴)

به حضرت موسی و برادرش هارون دستور داده می‌شود که به سوی فرعون بشتابند و او را دریابند، زیرا او سر به طغیان نهاده و سرکشی را از حد گذرانده است. ولی باید تا می‌توانند با وی از در مسالمت درآیند، بلکه متذکر و رام شود. اهل ذوق و عرفان از تعلیلی که در آیه آمده است، «انه طغی» گستره آیه را فراتر از داستان موسی و فرعون می‌شمارند و وظيفه هر انسان آزموده می‌دانند که به سوی طاغیان سرکش از جمله نفس خویش بشتابد و او را دریابد تا سرکشی را از حد نگذراند، ولی باید با مدارا و آرام آرام، او را رام کند، بلکه سرطغیان فرو نهد و با فطرت پاک و عقل سلیم همراه شود.

قشيري ذیل آیه غنائم می‌گوید: همان گونه که جهاد اصغر غنیمت دارد؛ جهاد اکبر نیز غنیمت دارد و آن این است که بنده، نفس خویشتن را که در دست دشمن (هوی و شیطان)

است از او به غنیمت می‌گیرد. (معرفت، ۳۷۴/۲-۳۷۲ با تلخیص)

یا میددی هنگام تفسیر آیه:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ». (بقره، ۴۰)

می‌گوید: پیر طریقت گفت: الهی کار آن دارد که با تو کاری دارد، یار آن دارد که چون تو یاری دارد. او که در دو جهان تو را دارد، هرگز کی تو را بگذارد.

و آیای فارهبون همان است که گفت: «وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي هِنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ». (بقره، ۴۱)

رهبت و تقوی دو مقام است از مقامات ترسندگان و در جمله، ترسندگان راه دین بر شش قسم‌اند: تائبانند و عابدان و زاهدان و عالمان و عارفان و صدیقان.

تائبان را خوف است، چنان که گفت: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ». (نور، ۳۷)

و عابدان را و جَل: «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (حج، ۳۵)

و زاهدان را رَهَبْتُ: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ». (انبیاء، ۹۰)

و عالمان را خشیت: «وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ». (فاطر، ۲۸)

و عارفان را اشفاق: «إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ». (المؤمنون، ۵۷)

و صدیقان را هیبت: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ». (آل عمران، ۲۸).

(معرفت، تفسیر و مفسران، ۳۷۲/۲ تا ۴۰۴ با تلخیص)

### آسیب‌شناسی تفسیر عرفانی

برخی تفسیرهای عرفانی از آسیب تأویل‌های بی‌ضابطه و برداشت‌های غیرمستند به عقل و شرع رنج می‌برد. برخی از این آسیب‌ها عبارتند از:

۱- این تفاسیر بر مقدمات علمی و برهان‌های منطقی و اسباب معقول تکیه ندارد بلکه براساس کشف و شهود شخصی است که اگر درست هم باشد معتبر نیست.

- ۲- نوعی تحمیل بر قرآن و تفسیر به رأی است به خاطر بی ضابطه بودن (رضایی اصفهانی، ۳۳۶ و ۳۳۷).
- ۳- سران صوفیه برای تأمین مقاصد مذهبی خود از تفسیر رمزی استفاده کردند تا تعلیمات عرفانی، ذوقی و اسرار و مبانی مذهبی خود را به عنوان تفسیر قرآن توضیح دهند که این کار تفسیر به رأی است.
- ۴- روش تفسیر رمزی از فهم درک مقاصد قرآن بیرون بوده و از حدود دلالت لفظی و مناسبات آن بیرون است.
- ۵- مکاشفه و شهود یک احساس شخصی و غیرقابل انتقال به دیگری است و حتی اگر مکاشفه و شهود هم قابل قبول باشد رسیدن به معانی و مقاصد آیات قرآن از طریق مکاشفه و شهود نمی تواند مصداقی برای تفسیر باشد زیرا در تفسیر استناد به دلالت لفظی شرط اساسی است در حالی که مکاشفه و شهود استناد به امر دیگری است.
- ۶- گفتار برخی از آنان نوعی سخن سجع متکلفانه است نه از روی درایت و ضابطه.

### نتیجه

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم تفاسیر عرفانی را باید ارزیابی جداگانه کرد برخی تفسیرهای عرفانی متکی بر تأویلات باطل و از مصادیق تفسیر به رأی است نه تفسیر با ضابطه، برخی هم حاوی مطالبی است جهت استفاده اخلاقی و ایمانی؛ و خود هم ادعای تفسیر ندارند و معتقدند از باب تداعی معانی و مناسبت معنایی است که این گونه استفاده‌ها بی اشکال است و برخی هم تأویل‌ها و تفسیرهای ضابطه‌مندی است که مستدل و مستند به گفتار معصومان (ع) می باشد.

### منابع

- ۱- امام خمینی (ره)، آداب الصلوة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ دهم تابستان، ۱۳۸۰
- ۲- امام خمینی (ره)، تفسیر قرآن مجید، تدوین سید محمدعلی ایازی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- ۳- امام خمینی (ره)، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران، انتشارات اطلاعات بی جا، ۱۳۶۶
- ۴- املی، سید حیدر، المحيط الاعظم والبحر الخضم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۴۰۴

- ۵- بابایی، علی اکبر و همکاران روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) و قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۶- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، بیروت دارالسامیه. چاپ اول ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م تحقیق: صفوان عدنان داوودی
- ۷- رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن
- ۸- علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم انتشارات اسوه، چاپ اول ۱۳۸۱
- ۹- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم، ۱۳۷۹
- ۱۰- قاسم پور، محسن، پژوهشی در جریان‌شناسی تفسیر عرفانی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری ثمین، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۱۱- مؤدب، سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۱۲- مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۱۳- مجلسی، علامه محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ ق
- ۱۴- معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹
- ۱۵- معرفت، محمد هادی، معرفت قرآنی (یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره) به کوشش علی نصیری)، جلد دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی